

متن پرسش

سلام استاد. اتفاق جالبی واسم افتاد. قسمت یادداشت های ویژه سوال «جایگاه اشرقی قرآن» رو خوندم و بیشتر مسائل و کج روی های سرش رو فهمیدم، و این رو کامل می فهمم که سرش هیچی از دین و قرآن نفهمیده، و فقط بازار گرمی واسه روشنفکرها رو عهده گرفته، و بیش از این که حرفه اش مبنایی باشه سخنانش ناشی از غرب زدگی و ذلیل دانستن خودش در مقابل غرب هستش. با این حال وقتی کامل متن رو خوندم یجورایی فکرم مشغول شد و به بعضی حرفه اش فکر می کردم و فکر می کردم سرش از کجا به فهم چنین شاهکارهایی نایل شده! از پای کامپیوتر بلند شدم و به سمت قرآن لب طاقچه رفتم و پیش خودم می گفتم ببینم قرآن چی میگه؟! وسط قرآن رو باز کردم و نگاهم به آیه «لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید... ولو جعلنه قرآنا اعجمیا لقالو لولا فصلت آیاته ی اعجمی و عربی ...» سوره فصلت. وقتی دیدم دقیقا همون نکته ای رو داره با جزئیات شرح میده که منم درگیرش بودم یهو جا خوردم، و یجورایی هم حالت خوبی بهم دست داد، دوست داشتم در مورد اتفاقات این مدلی یه خورده شرح بدهید که آیا برخورد با این موارد در زندگی که بعضی وقتها پیش می آید، به شانس ربط داره و یا واقعا حقیقتی در کاره است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با این که خداوند در هر حال و به هر بهانه ای ما را مشمول الطاف خود می کند و در این مسیر هر چقدر جلوتر روید با الطاف شیرین تری روبه رو می شوید، با این همه باید همواره شخصیت عقلانی خود را محفوظ بدارید. موفق باشید